

میدون و سوفیا

آیا چیز تحریم شد؟



ایوریا عالمی

ای آمریکا

ای خواننده جهان

تو چی چی سی را می‌خواهی تحریم کنی؟ ظرفی را؟ قبل از ظرف، چیزها و کسان دیگر را تحریم کردی هیچی نشد. مثلا الان صنعت و خودرو را تحریم می‌شود و خودروسازان ملی تیل‌تر از قبل از تحریم هستند. خیلی فشار بیآوری پیکان هم تولید می‌کنیم تا بفهمی. پزشکی مرشکی تحریم کردی چی شد؟ ما مردم عادی که جوشونده ملاییناس می‌خوریم و رو به بهبودی هستیم. مقامات هم عطسه کنند می‌روند خارج. فکر کردی اصلا ما فهمیدیم پزشکی تحریم شدیم؟ تحریم نبودیم هم انگار تحریم بودیم؛ عباس کیارستمی احتمالا اگر تحریم بودیم زنده می‌ماند، چون بیمارستان‌ها تعطیل می‌شد و پزشک مربوطه هم می‌رفت ساختمان‌سازی. مثلا رب گوجه! یک چیزی توش می‌ریزند که وارداتی است! ماست معمولی! یک چیزی توش می‌ریزند که وارداتی است! صنایع پتروشیمی! یک چیزی توش می‌ریزند که وارداتی است! ماهی پرورشی! یک چیزی توش می‌ریزند که وارداتی است! نهال پسته و زیتون و ...! یک چیزی توش می‌ریزند که وارداتی است! بنزین! یک چیزی توش می‌ریزند که وارداتی است!

این‌طور که ما متوجه شدیم، ما در همه چیز خودکفا هستیم، اما چیز نداریم و آن چیز را از خارج وارد می‌کنیم. پس ای آمریکا!

تو چیز ما را تحریم کردی و ما لنگیم. اصلا فرقی برایمان نمی‌کند ظرفی را تحریم کنی یا کسی دیگر را. خود دانی. اما به‌رحال ظرفی از تو بحالت‌تر توییت می‌کند که اگر خیلی ناراحتی می‌توانی تویتر را تحریم کنی... اوخ... شرمندۀ این قبلا فیلتر شد؛ پس هیچی!

در پایان نامه، قربانمان بروی؛

میدون دوم و سوفیا

تجربه دیگران

ماجنايت‌کاريم

● چند روزی است سازمان «گلوبال فوت‌پرینت نت‌وورک» اعلام کرده جهان از مرز مجاز استفاده از منابع طبیعی گذر کرده است. این سازمان وظیفه دارد هرساله این روز را اعلام کند و امسال جهان در تاریخ هفتم مرداد و در واقع ۲۹ جولای از مرز تعیین‌شده برای مصرف منابع طبیعی گذر کرد. این سازمان می‌گوید از چند سال پیش تاکنون دائما عبور از این مرز زودتر از سال قبل اتفاق افتاده است. در سال ۱۹۷۱ برای اولین بار استفاده سالانه از منابع طبیعی حدود تعیین‌شده پیشی گرفت و این سازمان برای اولین بار زمان آن را که ۲۱ دسامبر – ۳۰ آذر فقط ۱۰ روز مانده به پایان سال – اعلام کرد. در سال گذشته این عبور در ۱۰ مرداد یا اول آگوست اتفاق افتاد.

هر سال مردم جهان هر چه زودتر این مرز را رد کرده و از منابع آبیاری، زراعی، شیلات و جنگلی بیش‌ازپیش استفاده می‌کنند. این استفاده خارج از قاعده به نوبه خود باعث می‌شود انتشار گاز دی‌اکسید کربن نیز بیشتر از اندازه شود.

سازمان «گلوبال فوت‌پرینت نت‌وورک» که مقر آن در شهر اوکلند در ایالت کالیفرنیا ی آمریکااست، اعلام کرده این روند رو به صعود با گذشت زمان بیشتر نمایان می‌شود و می‌توان این روند را در جنگل‌زدایی، فرسایش زمین، از بین‌رفتن گونه‌های گیاهی و جانوری با افزایش انتشار گاز دی‌اکسید کربن دید.

مصرف روزانه منابع طبیعی در سراسر جهان ۱/۷۵ برابر حد تعیین‌شده است و اگر همه مردم جهان مانند آلمانی‌ها و آمریکایی‌ها زندگی می‌کردند، این مصرف به‌ترتیب سه و پنج برابر حدود مجاز می‌شد.

انتشار گاز دی‌اکسید کربن از سال ۲۰۰۹ به بعد کاهش نیافته و دست‌نکشیدن از مصرف زغال‌سنگ باعث شده است این روند کاهش پیدا نکند.

نویسندگان این تحلیل می‌گویند بخش‌ها در این زمینه است. نقل از مشکل‌سازترین بخش‌ها در این زمینه است.

بنابر گزارش دویچه‌وله، یکی از مسئولان آلمان می‌گوید حفاظت از اقلیم به معنای حفاظت از بقای انسان است. او خواستار سرمایه‌گذاری هر چه بیشتر در عرصه حفاظت از آب و هوا در سطح جهان شده است. مولر می‌گوید: بیش از همه آفریقا باید به قاره سبز برای انرژی‌های تجدیدپذیر تبدیل شده و برای رسیدن به این منظور نیز باید برنامه‌ای برای حمایت از فناوری‌های لازم برای این نوع از انرژی تهیه شود.

سازمان امدادی «میزوربو» نیز خواستار تحولی اساسی برای رویارویی با مصرف بیش از حد منابع طبیعی شده است.

رئیس این سازمان گفته است آلمان از منابعی مصرف می‌کند که متعلق به همه جهان است و مصرف این کشور اساسا بیش از حدود تعیین شده است.

روزنامه شتر

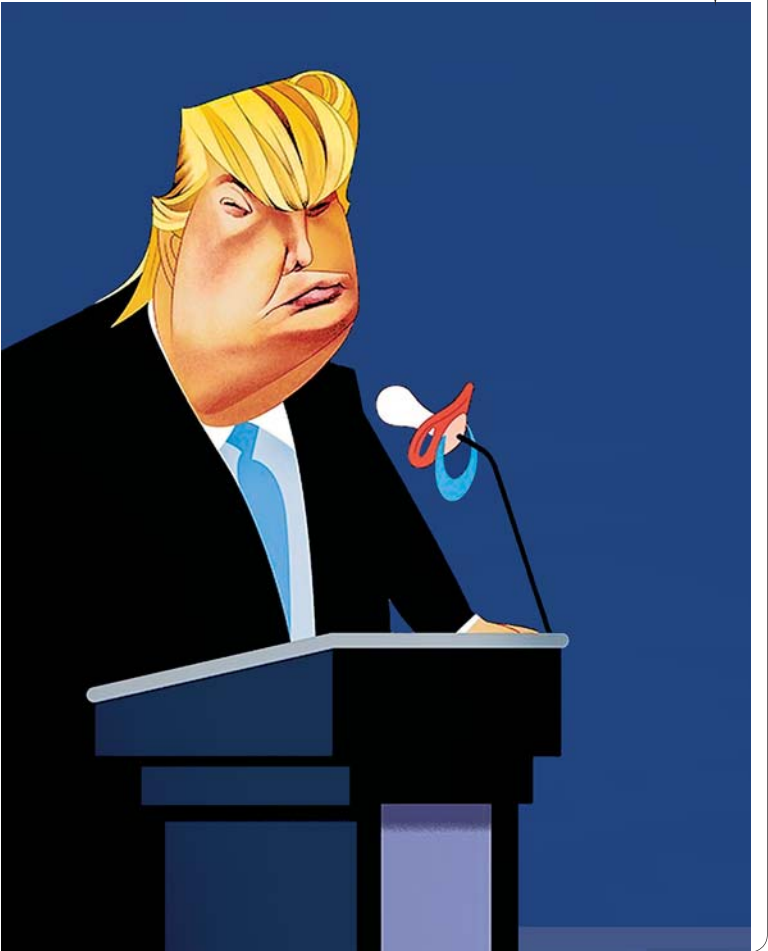
www.sharghdaily.ir

شنبه ۱۲ خرداد ۱۳۹۸ • ۱ ذی‌الحجه ۱۴۴۰ • ۳ آگوست ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۴۹۱ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۷ • اذان صبح‌فردا ۴:۳۸ • طلوع آفتاب ۶:۱۴

روزنارضا

کارتون خواب

آندره کاریلهو



پیشنهاد

کوچ ناگزیر آوارگان

«نخستین نمایشگاه عکس‌های محمد صیاد پس از ۴۷ سال فعالیت حرفه‌ای در عرصه مطبوعات برگزار می‌شود.»اقلیم حیرانی» عنوان نمایشگاه محمد صیاد است که تا هشتم شهریور در مرکز نبشی برپاست. نمایشگاه با بیش از صد قاب، روایت رنج آوارگان و کوچندگان کردهای عراق و پناهشان به خاک ایران در دوران اعمال فشار حکومت صدام بر کردهای این کشور است.این نمایشگاه پیش از آنکه محوریت سیاسی و قومی داشته باشد، درباره آن لحظه و آن گوشه زندگی است که در آن هر شن صاحب روایت است و مالک روح و نماینده هویت صاحبان آن.

محمد صیاد عکاس لحظاتی از تاریخ ایران است که با مفاهیم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و قومیتی کره خورده‌اند: جنگ، انقلاب، درگیری‌های سیاسی و تأثیرش بر زندگی فردی و جمعی. محمد صیاد صبور از پیش‌گسوتان عکاسی خبری در ایران است، در سال ۱۳۲۶ تا ۱۳۷۰ است. سال‌های اوج‌گیری فشار سیاسی و قومیتی حکومت صدام بر کردهای عراق، پیش‌گسوتان عکاسی و فرهنگ را در آن هر شن صاحب روایت است و مالک روح و نماینده هویت صاحبان آن.

این عکس‌ها گوشه‌هایی از رنج و درد ناشی از کوچ ناگزیر آوارگان کرد عراق را به خاک ایران از طریق مرزهای مشترک ایران با عراق و ترکیه به تصویر کشیده است؛ در مسیری که از شهرهای حلبچه، جانا، صلاح‌الدین، کرکوک، حاجی عمران، تومنه، بصره و اربیل در عراق گذشته و به شهرهای باختران، سریل دهاب، پاوه، پیرانتهر، سندنج، سردشت، زیوه و مرز سِرو در ایران می‌رسد.

محمد صیاد از نمونه‌های شاخص «تک‌سواران تاریخ تصویری‌ایران» است که به‌تنهایی بدون پشتوانه آکادمیک عکاسی، تصویری درخشان و تأثیرگذار از چهار دهه تاریخ پریچ‌وخم سیاسی و اجتماعی ایران را ثبت کرده است؛ حتی منظم‌تر و برنامه‌ریزی‌شده‌تر از اکثریت قریب‌به‌اتفاق خبرگزاری‌ها و مطبوعات وطنی به‌ویژه در سه دهه اول انقلاب.

عکس‌های صیاد از نخستین روزهای انقلاب، جنگ و اکثر رویدادهای مهم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سال‌های اخیر، نتیجه کار رشک‌انگیز یک فتوژورنالیست خودآموخته و خستگی‌ناپذیر است که در ۷۱ سالگی و بعد از گذشت ۵۵ سال از آشنایی‌اش با دوربین عکاسی، هنوز این وسیله تاریخ‌ساز را بر زمین نگذاشته و روزی نیست که بدون دوربین عکاسی خانه‌اش بیرون بیاید؛ آن هم در کشوری که حافظه تاریخی ندارد و تاریخ در هر دوره‌ای نه آن‌گونه که باید، بلکه آن‌گونه که صلاح دولتمردان بوده، نوشته شده است.

«نگاهی عمیق و فلسفی به پاره‌ای مسائل فرهنگی، هنری، اقتصادی، اجتماعی و با احتیاط سیاسی!

می‌گویند اگر ژورنالی پس، شمع‌دهان، در ۱۹۰۲ فیلم فانتزی سفر به ماه را نمی‌ساخت، شاید بشر به این فکر نمی‌افتاد که این نزدیک‌ترین و دوست‌ترین سیاره به زمین و زمینیان را فتح کند. هفته گذشته سالگرد پنجاهمین سال‌ فرود آپلو ۱۱ و نخستین انسان روی سطح کره ماه بود. ۱۶ساله بود که این اتفاق مهم تاریخی به وقوع پیوست و من هم مانند میلیون‌ها نفر در سراسر کره خاکی ماجرا را از رادیو یگیری می‌کردم. چون تلویزیون هنوز به ولایت ما نیاامده بود، آب لوله‌کشی و برق هم نداشتیم اما از شوق این موفقیت بشری چنان سرمست بودم که انگار خودم نیل آرمسترانگ هستم. اغلب در خواب خودم را روی کره ماه می‌دیدم که دارم آرام‌گام برمی‌دارم و برای زمینیان بدبخت دست‌تکان می‌دهم. آن وقت‌ها نه از جنگ سرد سردرمی‌آوردیم و نه از تقلب‌های ناسا که بعدها کم‌کم زمزمه‌اش به گوش رسید. فقط چند تا عکس از مسافران ماه در روزنامه کیهان دیده بودم که محمدآقا رستمی همسایه‌مان تنها مشترکش در ولایت بود. یک سال بعد که طبق معمول هر سال تابستان‌ها برای کار در مغازه لبنیات‌ها دایی‌ام به تهران آمده بودم و یکی از تفریحات عصرهای جمعه‌ام رفتن به میدان آزادی و بازدید از موزه‌اش بود. دیدم انبوهی از بازدیدکنندگان دور یکی از ویتترین‌ها جمع‌شده‌اند و متوجه شدم در آن قطعه‌ای از سنگ‌های کره ماه که به وسیله فضانوردان و به دستور جان اف کندی، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، برای اهدا به سران ممالک دوست (بخوانید تحت سلطه) آمریکا سوغاتی آورده شده، به نمایش گذاشته شده بود؛ چیزی شبیه کله گربه بود که طیفی از رنگ‌ها را در خود داشت. انصافا دیدنش خیلی هیجان‌انگیز بود؛ قطعه‌ای از کره‌ای که دست‌کم شاعران ایرانی و پارسی‌گوی یک خورار درباره زیبایی‌ جادویی‌اش سروده و هر چیز زیبایی را به قرص ماه تشبیه کرده‌اند. آن وقت‌ها هنوز تصاویر زیادی از سطح سنگلاخی ماه منتشر نشده بود و از فاصله‌ای نزدیک به ۴۰۰ هزارکیلومتری – یعنی ۲۰۰ بار بروی تا زاهدان و برگردی، سطح ماه همچون رخ بار صاف و صیقلی به نظر می‌رسد و چاله چوله‌ای نداشت. به هر حال، به قول جوانان امروزی، ما هم مثل اجدادمان



احمد طالبی‌نژاد

در قرن‌ها پیش با ماه حال می‌کردیم؛ تا اینکه معلوم شد ماه از نزدیک شبیه رخ زیبای دلبران نیست که هیچ، از صورت کریه کردن هم زشت‌تر است. بعدها که کمی عقل‌رس شدیم، این پرسش اندک‌اندک ذهنمان را به خود مشغول کرد که نتیجه این سفر هزاران میلیارددلاری که به همت ۴۰۰ هزار کارمند و کارشناس انجام شد، برای ما انسان‌های زمین‌گیر چه بوده؟ چه تحولی در اتفاق‌های روی زمین ایجاد شد؟ جنگ‌ها به پایان رسیدند؟ قطعی و سرسنگی از میان رفت؟ میلیون‌ها آفریقایی از فقر و فاقه نجات پیدا کردند؟ مهربانی و دوستی جای خشونت را گرفت؟ و از این دست پرسش‌ها؛ تا به پاسخ نسبتاً مشخص در این زمینه رسیدیم که در واقع این سفر پرهزینه در راستای جنگ سرد میان آمریکا و شوروی انجام شده بود؛ برای کم‌کردن روی شوروی‌ها که نخستین انسان (یسوری گارگاین) را به فضا فرستاده بودند و این برای رقیب بزرگ یعنی آمریکا تحقیری بزرگ بود. بنابراین آمریکایی‌ها و شخص کندی تصمیم گرفتند مشت محکمی بر دهان رقیب بزنند و زنند. سال‌ها گذشت تا اینکه زمزمه جعلی‌بودن این سفر شروع شد. کار به جایی رسید که خود آمریکایی‌ها در اواخر دهه ۱۹۷۰ فیلمی به نام «کاپریکورن یک» به کارگردانی پیتر هایمز درباره ساختگی‌بودن سفر گروهی فضانورد به کره مریخ ساختند که البته روشن بود منظورشان همان کره ماه است. این شایعه چنان قوت گرفت که حتی اذهان مثبت‌اندیشی مثل بنده هم دچار شک و تردید شد که آیا آمریکایی‌ها بشیریت را فریب نداده و کل داستان – چنان که گفته می‌شد – در استودیوهای هالیوود و یک منطقه امنیتی در جایی دوردست بازسازی نشده‌است؟ اما دکتر فیروز نادری، دانشمند ایران ناسا، چندی پیش نکته جالب توجهی را در این‌باره گفت. اینکه اگر سفر به ماه ساختگی و در واقع یک‌جور فیلم علمی/تخیلی می‌بود، نخستین کسانی که ماجرا را ل‌سو می‌دادند، شوروی‌ها بودند که در این دوتل هولناک قافیه را باخته بودند. ولی آنها هم این اتفاق را باور داشتند. خلاصه اینها را گفتم تا برسم به اینکه از نخستین سفر انسان به ماه ۵۰ سال یعنی نیم‌قرن گذشته و هنوز درهای جهان خاکی ما بر همان پاشنه می‌چرخد و فقر و خشونت و بی‌عدالتی پیدای می‌کنند. تنها دستاور و این جهش مثلا علمی، پایان‌یافتن جنگ طولانی آمریکا و ویتنام بود که به جایش امروزه خاورمیانه در آتش جنگ می‌سوزد. کارخانه‌های تولید اسلحه که نمی‌توانند تولید و در انبارهایشان دپو کنند و ما همچنان ماه را نمادی از عشق و حال و قال و مقال شاعرانه می‌دانیم و بس. راستی آن ککه‌سوز موزه آزادی حالا کجاست؟

رسانه

آزمون سخت وزیر فرهنگ



پژمان موسوی

حدود دو هفته از طرح موضوع اعطای یارانه‌های میلیونی و رانت‌های بی‌حساب و کتاب به روزنامه‌ها و مجلات بی‌نام و نشان می‌گذرد؛ موضوعی که به لحاظ اهمیت، آن‌چنان افکار عمومی و فعالان مطبوعاتی را تحت تأثیر قرار داد که بسیاری از افراد و تشکلهای صنفی در اظهارنظرها و بیانه‌هایی، از این موضوع انتقاد کرده و خواستار شفافیت و پاسخ‌گویی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان متولی و مسئول بخش این یارانه‌ها شدند. صورت‌مسئله روشن است: این تخلف یا هر چه اسمش را بگذاریم، در زمان معاون مطبوعاتی فعلی روی نداده است و معاونت مطبوعاتی در حال حاضر باید پاسخ‌گوی عملکرد کسانی باشد که این روزها گرچه همچنان در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هستند اما در معاونت مطبوعاتی حضور ندارند. البته انتظار ما از معاون مطبوعاتی فعلی چیزی بیشتر از یک توییت بود که از قول وی منتشر شد و ایشان حداقل می‌توانستند اطلاعات و مسائل بیشتری را با افکار عمومی در میان بگذارند اما هر چه هست، معاونت مطبوعاتی صلاح دیده است فعلا سکوت کند. این موضوع از دو حال خارج نیست: یا این سکوت از سر مصلحت است یا از سر استیصال. هر چه باشد، این سکوت بیش از این معنایی ندارد و اصحاب رسانه از معاونت مطبوعاتی انتظار دارد بی‌رودریاستی اگر تخلفی صورت گرفته که حتما هم گرفته است، مسائل را شفاف بیان کنند و بیش از این سکوت اختیار نکنند چراکه در این صورت شریک اعمال کسانی خواهد بود که زمانی تخلف کرده‌اند و اکنون با وجود ادعای شفافیت، حتی یک کلام در این‌باره سخن نمی‌گویند.

مطالبات

برافروختن بازدم حیات‌بخش صلح



مینو مرتاضی‌لنگرودی

در قسمت اول این تحلیل؛ به وضعیت کنونی «نه صلح نه جنگ» و تأثیری که بر زندگی، مطالبات، خواسته‌ها می‌گذارد، پرداخته‌ام. اینک از زاویه دیگری نیز می‌توان به این نوع انکار و بی‌اعتنایی مردم نسبت به دستاوردهای فرهنگی، صنعتی و علمی خویش نگریست و آن تحریم مردم از سوی مسئولان است. سال‌هاست دولت مردان عملا به دخالت‌ندادن مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سرنوشت‌شان به‌ویژه مربوط به زنان، ثابت کرده به رای و نظر آنها اعتماد ندارد و این نوع تحریم‌ها که بر شهروندان تحمیل می‌شود، چه بسا سخت‌تر از تحریم‌های هوشمندی است که به وسیله آمریکا بر سر ملت آورده شده است. مردم در برابر این قبیل تحریم‌هایی که ناشی از بی‌اعتمادی به آنان است، پناهگاهی نمی‌یابند تا به آن پناه ببرند.

لازمه آموختن مهارت زندگی و مقاومت در قبال تحریم‌ها اعتماد و آشنی ملی است. اگر دولت به مردم اعتماد کند و کار مردم را به مردم بسپارد و اعتمادبه‌نفس ملی را تقویت کند، آنگاه خواهد توانست گوش‌های شنوایی برای آموزش مهارت‌های زندگی در تحریم پیدا کند و به صلح درون دست یابد. در پرتو صلح درون می‌توان بر سخت‌ترین تحریم‌ها و خاموش‌ترین جنگ‌ها پیروز شد. در عین حال، صلح درون و آشنی ملی که در بی اعتماد و احترام متقابل دولت ملت ایجاد به مردم‌شان توانستند تهدید تحریم‌های خارجی را به فرصتی برای رفع وابستگی و تثبیت استقلال سیاسی و اقتصاد ملی تبدیل کنند. اما در ایران عهدنامه برجام به منزله راه نجات ایران از انزوا و از نارسایی اقتصادی و کمبودهای ارزی قلمداد شد. با خروج آمریکا از برجام و شدت‌گرفتن تحریم‌های سخت علیه ایران، وعده‌های داده‌شده در فضای تهدیدآمیز تحریم‌های هوشمند دود شدند. مسئولان می‌فتند سرمایه‌گذاران خارجی صف بسته‌اند تا پس از برجام بیایند و به اقتصاد وابسته ما رونق دهند. آنگاه ما خواهیم توانست همچون ترکیه، مالزی و عربستان شکوفا شویم. هم‌زمان با تشدید تحریم‌ها، سوءمدیریت و سرمایه‌گذاری‌های بی‌هدف از سر ناچاری و تشدید درگیری‌های جناحی سبب گسترش فضای بی‌اعتمادی شد به گونه‌ای که جامعه نسبت به دستاوردهای خود نیز راه انکار پیش گرفت. در جو بی‌اعتمادی موجود بین جامعه مدنی و دولت نخواهند توانست برنامه‌های مؤثر برای یافتن مهارت‌های زندگی در فضای تحریم‌ها ارائه دهند. بنابراین فضای مایوس‌کننده و بی‌خ‌رده «نه جنگ نه صلح» بر همه ابعاد و ساحت‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و به‌ویژه فرهنگی مردم دس‌وسوخ خواهد یافت. برای مقابله جدی و مؤثر با تحریم‌ها هوشمند باید مهارت زندگی هوشمندانه را فراگرفت.

اعتماد و احترام متقابل بین دولت و ملت اولین گام در جهت تحقق صلح درون و مهارتی است که مردم و مسئولان باید آن را بیاموزند. در پرتو صلح درون می‌توان از مردم انتظار داشت از بی‌اعتنایی و انکار یکدیگر دست بردارند و آگاهانه و آزادانه طالب آموختن مهارت‌های زندگی هوشمندانه و ترویج آنها باشند. با اعتماد و احترام متقابل بین دولت و ملت اولین گام در جهت تحقق صلح درون و مهارتی است که مردم و مسئولان باید آن را بیاموزند. در پرتو صلح درون می‌توان از مردم انتظار داشت از بی‌اعتنایی و انکار یکدیگر دست بردارند و آگاهانه و آزادانه طالب آموختن مهارت‌های زندگی هوشمندانه و ترویج آنها باشند. با

به‌حساب‌آوردن نقش مردم در اداره سرنوشت خویش و محترم‌شمردن حقوق شهروندی، مردم از هیچ‌انگاری خود و بیخ‌انگاری دنیا دست برخواهند داشت. نقش زنان در جایگاه تالشگران مدنی در عرصه خانواده و جامعه برای آموزش مهارت‌های زیست در شرایط سخت نقشی انکارناپذیر است. بدون تردید زنان به‌دلیل زیست طولانی‌مدت در فضای تبعیض‌ها و تحریم‌های هوشمند چسبیتی که به‌طور تاریخی بر آنها تحمیل شده است، مهارت‌های مقاومت و بازسازی امید به زندگی از درون و برون خود را خوب بلدند. می‌توان از این مهارت‌ها به سود برانگیختن انگیزه زندگی در جامعه و برافروختن بازدم حیات‌بخش صلح در جامعه استفاده کرد.
«قسمت اول این تحلیل با عنوان «زندگی هوشمندانه در تحریم‌های هوشمند» در روز چهارشنبه ۹ مرداد منتشر شد.

تجربه دیگران

عمده آنها مربوط به فروش اغذیه است. اگر روند پلمب غرقه‌ها ادامه داشته باشد، ۸۰۰ نفر بی‌کار می‌شوند. از اوایل تابستان نیز مجریان سسی تیر در حیات یکی از مدارس تاریخی – نخستین هنرستان تهران – شهرزاری درست کرده‌اند. این تغییر با اعتراض برخی فعالان میراث فرهنگی روبه‌رو شده و معتقدند شورای شهر و میراث فرهنگی به دلیل مسائل مالی و عدم مدیریت صحیح بی‌خیال حفاظت از بناهای تاریخی شده‌اند.

کطمری، مجری طرح سسی تیر، درباره پلمب غرفه‌ها به ایسنا گفته است: «از دو سال گذشته از اتحادیه اغذیه‌فروشان و دکهداران درخواست جواز کسب کردیم، اما آنها به دلیل نداشتن سند مالکیت و پلاک ثبتی غرفه‌ها، با ارائه جواز موافقت نکردند. این در حالی است که غرفه‌های مشابه سی تیر در پل طبیعت، بام لند و... نیز سند پلاک ثبتی ندارند، ولی مشغول به فعالیت هستند. ۲۷ غرفه در گذر سسی تیر فعال‌اند که بخش

غرقه‌های بدون مجوز سی تیر
خیابان سسی تیر از دو سال پیش تبدیل به یک گذر اغذیه‌فروشی شد و به‌عنوان یکی از مراکز حیات‌شانه شناخته‌شده و سبب شده تا بسیاری از گردشگران و مردم به سراغ آن بروند، اما چندروزی است با مشکلاتی روبه‌رو شده است. به تازگی اتحادیه اغذیه‌فروشان اقدام به پلمب دهک‌های این خیابان کرده و مشخص شده دهک‌های خیابان سسی تیر جواز کسب ندارند. نگین